عدم دخالت یقین به فجر در انشاء وجوب صوم و دخالت آن در مقام امتثال

روی اینها تأمل کنید. اینها مباحثی است که شروعش آسان و راحت است. اما وقتی جلو میرود بین بزرگان فقها بحثهای سنگینی در میگیرد. الآن روی همین آیه شریفه تأمل کنید. «وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ[1]». همه این آیه را شنیدهاید. خب ابتدا در اینکه فجر موضوع است و تبین هست، مشکلی نیست. اما بحث که جلو میرود یکدفعه میبینید چطور غامض میشود! مرحوم حاج آقا رضا میگویند تبین بالفعل شرط است و تبین تقدیری کافی نیست. بعد بر آن متفرع میکنند. ای تبین طریقی است اما طریقی کذا. بحثهای خیلی دقیقی که در شروع کار آسان است اما دنبالهٔ آن خیلی دقیق میشود.

شاگرد: منظور شما لیالی مقمره است؟

استاد: بله، در لیالی مقمره نمیگویند که موضوع به این معنا است. میگویند تبین تقدیری کافی نیست. ظهور ادله در تبین بالفعل است. ببینید شروعش این است که تبین موضوع است یا نه. اما به آن جا میرسد که دقیق میشود که در لیالی مقمره به چه صورت است. من در کلمات ندیدهام. این را برای این میگویم که شما دنبال کار باشید. دو آیه را در کنار هم میگذاریم. مستقل رسالهٔ نوشته شده. فقها مطالب متعددی فرمودهاند. در نرمافزار هم هست. اینکه تبین، جزء موضوع هست یا نیست. «من الفجر» «من» تبعیض است؟ «من» بیان جنس است؟ «من» بیان جنس هم باشد به «خیط» میخورد یا به «تبین» میخورد؟ مرحوم آقای لنگرودی در آن رسالهشان دارند. میگویند این «من» برای بیان «خیط» است. نه برای «تبین». «یتبین لکم من الفجر». که این تبین از سنخ فجر است. نکات خیلی ظریف و خوبی را مطرح کردهاند. آن چه که عرض من است این است:

---

[1] البقره ۱۸۷

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 15:56:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 15:56:50 توسط ... .